**چرا، و چگونه شام خداوند را برگزار می‌نماییم؟**

اول قرنتیان ۱۱:‏۱۷-‏۳۴

لیکن چون این حکم را به شما می‌کنم، شما را تحسین نمی‌کنم، زیرا که شما نه از برای بهتری، بلکه برای بدتری جمع می‌شوید. زیرا اولاً هنگامی که شما در کلیسا جمع می‌شوید، می‌شنوم که در میان شما شقاقها روی می‌دهد؛ و قدری از آن را باور می‌کنم. از آن جهت که لازم است در میان شما بدعتها نیز باشد، تا که مقبولان از شما ظاهر گردند. پس چون شما در یک جا جمع می‌شوید، ممکن نیست که شام خداوند خورده شود، زیرا در وقت خوردن، هر کس شام خود را پیشتر می‌گیرد؛ و یکی گرسنه و دیگری مست می‌شود. مگر خانه‌ها برای خوردن و آشامیدن ندارید؟ یا کلیسای خدا را تحقیر می‌نمایید؛ و آنانی را که ندارند، شرمنده می‌سازید؟ به شما چه بگویم؟ آیا در این امر، شما را تحسین نمایم؟ تحسین نمی‌نمایم! زیرا من از خداوند یافتم، آنچه به شما نیز سپردم، که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت و شکر نموده، پاره کرد و گفت: «بگیرید بخورید. این است بدن من، که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاریِ من به‌جا آرید.» و همچنین پیاله را نیز بعد از شام، و گفت: «این پیاله، عهد‌جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاریِ من بکنید.» زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید، تا هنگامی که بازآید. پس هر که به طور ناشایسته، نان را بخورد و پیالۀ خداوند را بنوشد، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود. اما هر شخص، خود را امتحان کند؛ و بدین‌طرز از آن نان بخورد؛ و از آن پیاله بنوشد. زیرا هر که می‌خورد و می‌نوشد، فتوای خود را می‌خورد و می‌نوشد، اگر بدن خداوند را تمیز نمی‌کند. از این سبب، بسیاری از شما ضعیف و مریض‌اند؛ و بسیاری خوابیده‌اند. اما اگر بر خود حکم می‌کردیم، حکم بر ما نمی‌شد. لکن هنگامی که بر ما حکم می‌شود، از خداوند تأدیب می‌شویم، مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود. لهذا ای برادرانِ من، چون به جهت خوردن جمع می‌شوید، منتظر یکدیگر باشید؛ و اگر کسی گرسنه باشد، در خانه بخورد، مبادا به جهت عقوبت جمع شوید. و چون بیایم، مابقی را منتظم خواهم نمود.

فکر کردم پیش از آنکه به رسالۀ رومیان بازگردیم (هفتۀ آینده به امید خداوند)، بهتر باشد که از چشم‌انداز کتاب‌مقدس، به شام خداوند نگریسته، و بر این مقوله تمرکز نماییم که چرا، و چگونه این حکم را نگاه می‌داریم. پس امروز در ابتدا به موعظه پرداخته، و سپس شام خداوند را به‌جا می‌آوریم.

پس از کتاب‌مقدس، که شالوده و زیربنای عاری از خطا در زندگی و کلیسای ماست، یکی از مهم‌ترین یادداشتهای موجود در حیاتِ کلیسای ما «اعتقادنامۀ رهبران کلیسای تعمیدیِ بیت‌لحم» می‌باشد. همۀ شما را تشویق می‌کنم که این اعتقادنامه را مطالعه نمایید. شما می‌توانید آن را در تارنمای کلیسا، و یا در تارنمای مشتاق خدا مشاهده کنید. در بند ۴.۱۲ از این اعتقادنامه، به چکیده‌ای از آنچه ما دربارۀ شام خداوند باور داشته و تعلیم می‌دهیم، اشاره شده است:

ما باور داریم که شام خداوند، حکم خداوند است، که در طی آن، ایماندارانی که گرد هم آمده، نان خورده و پیالۀ خداوند را می‌نوشند. نان، به نشانۀ بدن مسیح، که برای قومش فدا شد؛ و پیالۀ خداوند، به نشانۀ عهد جدید در خون مسیح. ما آن را به یادبود خداوند به‌جای می‌آوریم؛ و بدین‌ترتیب، تا بازگشت دوباره‌اش، مرگ او را اعلام می‌نماییم. کسانی که این حکم را به شایستگی به‌جای آورند، نه از نظر جسمانی، بلکه به لحاظ روحانی، در بدن و خون مسیح شریک می‌گردند؛ و به واسطۀ ایمان، از برکاتی که مسیح با مرگش مهیا نمود، جان خود را قوت بخشیده، و بدین‌ترتیب، در فیض رشد می‌نمایند.

سعی می‌کنم جهت درک آنچه دربارۀ شام خداوند گفته شد، در شش عنوان، زیربنایی را از کتاب‌مقدس ارائه دهم: ۱) منشأ تاریخی؛ ۲) شرکت کنندگانِ ایماندار؛ ۳) جنبۀ فیزیکی؛ ۴) جنبۀ ذهنی؛ ۵) جنبۀ روحانی؛ و ۶) جدیتی که با قدوسیت و پاکی همراه است.

۱. **منشأ تاریخیِ شام خداوند**

هر سه انجیل متی (۲۶:‏۲۶ به بعد)، مرقس (۱۴:‏۲۲ به بعد)، و (لوقا ۲۲:‏۱۴ به بعد)، به شام آخری اشاره نموده‌اند، که عیسی در شب پیش از مرگش، به همراه شاگردانش صرف نمود. هر یک از آنها چنین شرح می‌دهند که عیسی با شکرگزاری، و برکت دادنِ نان و پیاله، آنها را بین شاگردانش تقسیم نموده، و به ایشان خاطرنشان ساخت که این نان، بدن اوست؛ و این پیاله، خون از عهد، یا به عبارتی، عهد تازه در خون اوست. عیسی در لوقا ۲۲:‏۱۹ می‌فرماید: «این را به یاد من به‌جا آرید.» انجیل یوحنا به طور خاص به آن خوردن و نوشیدن اشاره نمی‌کند، بلکه به آنچه در آن شامگاه روی داد؛ و به تعالیمی که داده شد، می‌پردازد.

تا جایی که به ثبت رسیده و ما از آن باخبریم، می‌توانیم بگوییم که کلیسای اولیه، همان گفتۀ عیسی را به‌جای می‌آورده است: ایشان به یادبود عیسی و مرگش، شام خداوند را به‌جای می‌آوردند. رسالات پولس، نخستین شهادتهایی هستند که امروزه در دسترس ما قرار دارند. او در رسالۀ اول قرنتیان ۱۱:‏۲۰، به رویدادی در حیات کلیسا اشاره می‌کند، که «شام خداوند» نامیده می‌شود؛ و احتمالاً از آن جهت «شام خداوند» خوانده می‌شود، که خداوند عیسی، خودْ آن را بنیاد نهاد و مقرر نمود؛ ضمن اینکه معنای آن، دقیقاً مرگ خداوند را یادآوری نموده و آن را گرامی می‌دارد. پولس در اول قرنتیان ۱۱:‏۲۳-‏۲۴ می‌گوید: «من از خداوند یافتم، آنچه به شما نیز سپردم، که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت و شکر نموده، پاره کرد و گفت: بگیرید بخورید. این است بدن من، که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاریِ من به‌جا آرید.» عبارت «من از خداوند یافتم»، احتمالاً بدین معناست که خودِ خداوند برای پولس تصدیق نموده بود که آنچه دیگران دربارۀ شام آخر خاطرنشان ساخته‌اند، به واقع، روی داده است (پولس در شام آخر، در کنار سایر رسولان حضور نداشت).

بنابراین، منشأ تاریخیِ شام خداوند، به شام آخری برمی‌گردد که عیسی در شب پیش از مصلوب شدنش، به همراه شاگردانش صرف نمود. عملکرد و معنای این آیین، همگی ریشه در چیزی دارند که عیسی در آن شب آخر فرمود و به انجام رساند. عیسی خودْ منشأ شام خداوند است؛ و خود حکم نمود که زین پس، آن را به‌جای آورند. او خودْ تمرکز اصلی و محتوای آن است.

**۲) ایمانداران در شام خداوند شرکت می‌کنند**

در شام خداوند، ایمانداران به عیسی؛ یعنی کلیسا، که یک خانواده هستند، گرد هم می‌آیند. شام خداوند، برای غیر ایمانداران نیست. شاید که غیر ایمانداران در کلیسا حضور داشته باشند؛ و در واقع، ما به ایشان خوش‌آمد می‌گوییم. در شام خداوند، هیچ نکتۀ مرموزی وجود ندارد. شام خداوند، آیینی است که در حضور همگان به‌جای آورده می‌شود؛ و مفهومش برای همگان است. شام خداوند، مراسمی مرموز و بر پایۀ یک بدعت نیست، که قدرتهای جادویی در آن نهفته باشد. شام خداوند، پرستش جمعیِ اعضای کلیساست. در واقع، پولس در اول قرنتیان ۱۱:‏۲۶ می‌گوید: «هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید، تا هنگامی که بازآید.» از این‌رو، یکی از جنبه‌های شام خداوند، اعلام نمودن است؛ آری، آن چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد، اعلام نمودن است، نه مخفی و پوشیده بودن.

ما این را منع نمی‌کنیم که برای مثال، شام خداوند برای کسی در آسایشگاه سالمندان، یا بیمارستان برده شود، اما این یک استثناست که کسی شخصاً شام خداوند را به‌جای آورد. حال آنکه معیار و قاعدۀ کتاب‌مقدس این نیست. پولس در اول قرنتیان ۱۱، پنج مرتبه اشاره می‌کند که به هنگام صرف شام خداوند، اعضای کلیسا گرد هم می‌آیند. آیۀ ۱۷: «شما نه از برای بهتری، بلکه برای بدتری جمع می‌شوید.» آیۀ ۱۸: «زیرا اولاً هنگامی که شما در کلیسا جمع می‌شوید، می‌شنوم که در میان شما شقاقها روی می‌دهد.» آیۀ ۲۰: «پس چون شما در یک جا جمع می‌شوید، ممکن نیست که شام خداوند خورده شود.» آیۀ ۳۳: «چون به جهت خوردن جمع می‌شوید، منتظر یکدیگر باشید.» آیۀ ۳۴: «اگر کسی گرسنه باشد، در خانه بخورد، مبادا به جهت عقوبت جمع شوید».

به بیان دیگر، اعضای کلیسای قرنتس، به گونه‌ای شام خداوند را با شام روزانه‌شان یکی کرده بودند؛ و با این عملکردشان، آن را کم‌ارزش و حقیر می‌شمردند؛ و به این دلیل، برخی بسیار می‌خوردند، در حالی که برخی چیزی برای خوردن نداشتند. از این جهت، پولس از آنها می‌خواهد که شام خود را در منازلشان صرف نموده، و سپس گرد هم آیند، تا شام خداوند را به‌جای آورند.

به واژۀ «کلیسا» در آیۀ ۱۸ توجه نمایید: «هنگامی که شما در کلیسا جمع می‌شوید.» کلیسا، بدن مسیح است؛ جماعت پیروان عیسی؛ کسانی که از بتها روی گردانیده، و برای آمرزش گناهانشان، و امید حیات جاودان، و رضامندیِ روح و جانشان، فقط به عیسی اعتماد نموده‌اند. اینها مسیحیانند. پس کسانی که در شام خداوند شرکت می‌کنند، ایمانداران به عیسی هستند که گرد هم می‌آیند.

**۳. جنبۀ فیزیکیِ شام خداوند**

جنبۀ فیزیکیِ شام خداوند، این نیست که صرفاً نشسته، و غذا را به همراه پیش‌غذا و دسر صرف نماییم. شام خداوند، بسیار ساده است: خوردن نان، و نوشیدن پیاله. آیات ۲۳-‏۲۵: «نان را گرفت و شکر نموده، پاره کرد و گفت: بگیرید بخورید. این است بدن من، که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاریِ من به‌جا آرید؛ و همچنین پیاله را نیز بعد از شام، و گفت: این پیاله، عهد‌جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاریِ من بکنید».

دربارۀ اینکه از چه نوع نانی استفاده شود؛ و یا اینکه چطور قسمت شود، مشخصاً به هیچ نکتۀ خاصی اشاره نشده است. تنها نکتۀ خاص، محتویات پیاله است، که در هر سه انجیل متی، مرقس، و لوقا به آن اشاره شده است: «به شما می‌گویم که بعد از این، از میوۀ مو دیگر نخواهم نوشید، تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدرِ خود، تازه آشامم» (متی ۲۶:‏۲۹؛ همچنین مرقس ۱۴:‏۲۵؛ و لوقا ۲۲:‏۱۸ را نیز مشاهده نمایید.) پس آنچه نوشیده می‌شود، «میوۀ مو» می‌باشد. من فکر می‌کنم که ما نباید این مقوله را به موضوعی پیچیده تبدیل کنیم که آیا شراب استفاده شود، یا آب انگور ساده. نکته‌ای در این آیات وجود ندارد که به یکی حکم، یا دیگری را ممنوع نماید.

آنچه که باید بدان اهمیت دهیم، این است که نباید این مهم را شوخی گرفته، و نسنجیده و بی‌تدبیر، چیز دیگری را جایگزینش کنیم؛ گویی که گرد هم بیاییم و نان و شیرینی بخوریم و نوشابه بنوشیم. شام خداوند، شوخی نیست. ما باید این آیین را با در نظر گرفتن ارزش و اهمیتش به‌جا آوریم. تا لحظه‌ای دیگر، به این مطلب خواهیم پرداخت.

می‌خواهم در بین گفته‌هایم به این نکته نیز بپردازم که عهد‌جدید به دفعاتِ برگزاری شام خداوند اشاره نکرده است. برخی معتقدند که پسندیده است که آن را هر هفته برگزار کنند؛ حال آنکه برخی دیگر، آن را هر سه ماه یک بار به‌جای می‌آورند. ما در میانه قرار داریم؛ و به طور معمول، در اولین یکشنبۀ هر ماه، این مهم را به‌جا می‌آوریم. من فکر می‌کنم که ما در مورد دفعات برگزاری این آیین، از آزادی برخورداریم؛ ولی دو پرسشی که مطرح بوده، این است که ۱) چه تعداد دفعاتی، درخورِ اهمیت شام خداوند بوده، به همان نسبتی که در موعظۀ کلام خدا به آن اهمیت داده می‌شود و آن را مهم می‌شمارد؟ و ۲) چه تعداد دفعاتی به ما کمک می‌کند که ارزش شام خداوند را احساس نموده، و نسبت به آن بی‌حس و بی‌خیال نشویم؟ اینها مواردی است که نمی‌توان به راحتی در موردشان قضاوت نمود؛ چرا که کلیساهای مختلف، آن را به شکلهای مختلفی برگزار می‌کنند.

**۴. جنبۀ ذهنیِ شام خداوند**

جنبۀ ذهنیِ شام خداوند، بدین معناست که شرکت کنندگان در آن، باید که ذهنشان را بر عیسی، و به ویژه بر کار تاریخیِ او؛ یعنی مردن برای گناهانمان، متمرکز نمایند. آیات ۲۴ و ۲۵: «این را به یادگاریِ من به‌جا آرید.» ما در لحظۀ خوردن و نوشیدن، که جنبۀ فیزیکیِ شام خداوند است، باید «به یاد آوریم»؛ و این یادآوری، جنبۀ ذهنیِ آن است. یعنی باید آگاهانه به خاطر آوریم که عیسی زیست؛ و باید به خاطر آوریم که جان داد و از مردگان برخاست؛ و باید به خاطر آوریم که مقصود کارش این بود که گناهان ما را بیامرزد.

شام خداوند، یک یادآوریِ محض است؛ به این معنا که بارها و بارها به یاد آوریم که مسیحیت، معنویتی مثل جنبش «عصر جدید، یا نیو اِیج» نیست. مسیحیت، ارتباط با ضمیر درون نیست. مسیحیت، عرفان نیست. مسیحیت، در واقعیتهای تاریخی، ریشه دارد. عیسی به راستی زندگی کرد. او دارای جسم بود؛ و قلبی که خون را به جریان می‌انداخت؛ و پوستی که با زخمی شدن خونریزی می‌کرد. او پیش روی همگان، به جای گناهکاران، بر صلیب رومیان جان داد، تا هر که به او ایمان آورد، از غضب خدا رهایی یابد. این رویدادی بود که در گذشته، و یک بار برای همیشه در تاریخ به وقوع پیوست.

بنابراین، جنبۀ ذهنیِ شام خداوند، بر یادآوری استوار است، نه بر خیالات و تصورات، نه بر خواب و رویا، نه بر حلول روح، نه بر شنیدن، و نه بر ذهن سرگردان، بلکه بر به یاد آوردن. در شام خداوند، ما آگاهانه به گذشته نگریسته، و ذهنمان را بر عیسی، و آنچه که در کتاب‌مقدس از او می‌دانیم، متمرکز می‌نماییم. شام خداوند، بارها و بارها ما را به جزییات تاریخ برمی‌گرداند؛ نان و پیاله؛ بدن و خون؛ اعدام و مرگ.

**۵. جنبۀ روحانیِ شام خداوند**

همۀ این موارد نامبرده مهم بوده، چرا که غیر ایمانداران نیز می‌توانند همۀ آنچه را که تاکنون بدان اشاره کرده‌ام، انجام دهند. در واقع، اگر شیطان می‌توانست تجسم یابد، قادر بود این اعمال را به‌جا آورد؛ یعنی بخورد، بنوشید؛ و به یاد آورد. در هیچ‌یک از اینها، نکته‌ای اساساً روحانی وجود ندارد. تا اینجا، شام خداوند همان چیزی بوده که عیسی آن را منظور داشته است، اما چیزی فراتر از خوردن و نوشیدن و به یادآوردن باید روی دهد؛ چیزی که غیر ایمانداران و شیطان، قادر به انجامش نیستند.

من یک مرتبۀ دیگر، جمله‌ای مهم از اعتقادنامۀ رهبران کلیسا را می‌خوانم؛ و سپس مرجع آن را از کتاب‌مقدس به شما نشان می‌دهم: «کسانی که این حکم را به شایستگی به‌جای آورند، نه از نظر جسمانی، بلکه به لحاظ روحانی، در بدن و خون مسیح شریک می‌گردند؛ و به واسطۀ ایمان، از برکاتی که مسیح با مرگش مهیا نمود، جان خود را قوت بخشیده، و بدین‌ترتیب، در فیض رشد می‌نمایند».

این باور از کجا آمده است؟ «در بدن و خون مسیح، شریک می‌گردند . . . به لحاظ روحانی؛ و به واسطۀ ایمان» اول قرنتیان ۱۰:‏۱۶-‏۱۸؛ یعنی فصل پیشینِ آیاتی که در حال مطالعه‌شان هستیم، نزدیک‌ترین متن، به جملۀ مورد نظر است. وقتی آیات نامبرده را می‌خوانیم، از خود بپرسیم که واژۀ «شراکت» به چه معناست؟

پیالۀ برکت، که آن را تبرّک می‌خوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می‌کنیم، آیا شراکت در بدن مسیح نی؟ زیرا ما که بسیاریم، یک نان و یک تن می‌باشیم، چون که همه از یک نان، قسمت می‌یابیم. اسراییلِ جسمانی را ملاحظه کنید! آیا خورندگانِ قربانیها، شریک قربانگاه نیستند؟

چیزی عمیق‌تر از یادآوریِ صرف وجود دارد. پولس می‌گوید که ایمانداران؛ یعنی آنانی که بر عیسی مسیح اعتماد کرده و او را گنجینۀ خود می‌دانند، در بدن و خون مسیح شراکت دارند؛ یعنی ایمانداران، به معنای واقعی، سهیم شدن در بدن و خون مسیح را تجربه می‌کنند. آنها شریک بودن در مرگ او را تجربه می‌کنند.

**شراکت روحانی در بدن و خون مسیح، به واسطۀ ایمان**

این شرکت کردن، یا سهیم بودن، یا شریک شدن به چه معناست؟ من فکر می‌کنم که سرنخ در آیۀ ۱۸ است، چرا که واژه‌ای را مشابه با آیۀ ۱۶ به کار برده است، اما آیۀ ۱۸، این شراکت را با قربانیهای قوم اسراییل مقایسه می‌نماید: «اسراییلِ جسمانی را ملاحظه کنید! آیا خورندگانِ قربانیها، شریک [واژه‌ای مشابه] قربانگاه نیستند؟» سهیم شوندگان، یا شراکت کنندگان، یا شریکان در قربانگاه به چه معنایند؟ بدان معنایند که آنها در آنچه بر قربانگاه روی می‌دهد، یا در برکات آن سهیم هستند. برای نمونه، آنها از بخشش خدا، و مشارکتی ترمیم شده با او بهره‌مند می‌گردند.

بنابراین، من به این درک رسیده‌ام که آیات ۱۶ و ۱۷، این مفهوم را می‌رسانند که وقتی ما ایمانداران، از نظر فیزیکی، نان را می‌خوریم و پیاله را می‌نوشیم، در اصل، به لحاظ روحانی، گونۀ دیگری از خوردن و نوشیدن را تجربه می‌کنیم. ما با این خوردن و نوشیدن، آنچه بر صلیب روی داد را به زندگی‌مان ربط می‌دهیم؛ و به واسطۀ ایمان، و با اعتماد به همۀ آنچه که خدا در عیسی برای ماست، از برکاتی که عیسی با ریخته شدن خونش، و با مرگش بر صلیب مهیا نمود، جان خود را قوت می‌بخشیم.

به این دلیل است که ماه به ماه، شما را به جنبه‌های مختلفی از شام خداوند رهنمون کرده، تا بر آنها تمرکز نمایید (صلح با خدا، شادی در مسیح، امید برای آینده، آزادی از ترس، امنیت در فجایع و مصیبتها، راهنمایی در آشفتگیها و سر در گمی‌ها، شفا یافتن از بیماری، پیروزی بر وسوسه، و موارد دیگر.) وقتی عیسی جان سپرد، وقتی خونش ریخته شد، وقتی بدنش پاره گشت؛ و به نیابت از ما طعم مرگ را چشید و قربانی شد، همۀ وعده‌های خدا را خریداری نمود. پولس می‌نویسد: «چندان که وعده‌های خداست، همه در او بلی است» (دوم قرنتیان ۱:‏۲۰). هر هدیۀ خدا، و مشارکت شادی‌بخش با او، به سبب خون عیسی به دست آمد. وقتی پولس می‌گوید: «پیالۀ برکت، که آن را تبرّک می‌خوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می‌کنیم، آیا شراکت در بدن مسیح نی؟»، منظورش این است: مگر نه اینکه ما در شام خداوند، با ایمان، و به لحاظ روحانی، هر برکت روحانی‌ای را جشن می‌گیریم که با بدن و خون مسیح خریداری شده است؟ نه هیچ غیر ایمانداری قادر به چنین کاری است؛ و نه شیطان. این هدیه‌ای است برای خانوادۀ خدا. وقتی شام خداوند را برگزار می‌کنیم، با ایمان، و به لحاظ روحانی، همۀ آن وعده‌های خدا را جشن می‌گیریم که با خون عیسی خریداری شده است.

**۶. جدیتی که در شام خداوند، با قدوسیت و پاکی همراه است**

من نیز به همان شکلی پیغامم را خاتمه می‌دهم که پولس در اول قرنتیان ۱۱، مبحث خود را پایان می‌بخشد. او هشدار می‌دهد که اگر سطحی و بی‌حس و سهل‌انگارانه در شام خداوند شرکت کنید؛ و جدی بودن آنچه بر صلیب روی داد را تشخیص ندهید، اگر ایماندار هستید، بعید نیست که جان خود را از دست بدهید؛ نه به خاطر غضب خدا، بلکه به خاطر تنبیه پدرانۀ خدا. بیایید در حالی که با شادی و جدیت، در شام خداوند شرکت می‌کنیم، اول قرنتیان ۱۱:‏۲۷-‏۳۲ را نیز به آرامی و شمردگی بخوانیم.

پس هر که به طور ناشایسته، نان را بخورد و پیالۀ خداوند را بنوشد [یعنی هدیۀ ارزشمند مسیح را اعتماد ننماید و گنجینۀ خود نشمرد]، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود. اما هر شخص، خود را امتحان کند [یعنی خود را خوب و پسندیده نبینید، بلکه ببینید که آیا مایل هستید از خودتان روی گردانده، و برای نیازهایتان به عیسی اعتماد کنید]؛ و بدین‌طرز از آن نان بخورد؛ و از آن پیاله بنوشد. زیرا هر که می‌خورد و می‌نوشد، فتوای خود را می‌خورد و می‌نوشد، اگر بدن خداوند را تمیز نمی‌کند [یعنی متوجه نباشد که این نان، ساندویچ ماهی نیست، همان‌گونه که برخی در کلیسای قرنتس چنین رفتار می‌نمودند.] [و منظورش این است که:] از این سبب، بسیاری از شما ضعیف و مریض‌اند؛ و بسیاری خوابیده‌اند [نه اینکه به جهنم فرستاده شوند، آیۀ بعدی توضیح می‌دهد.] اما اگر بر خود حکم می‌کردیم، حکم بر ما نمی‌شد. لکن هنگامی که بر ما حکم می‌شود، از خداوند تأدیب می‌شویم [یعنی برخی ضعیفند، و بیمارند؛ و در حال مرگند]، مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود [یعنی به جهنم برویم].

شام خداوند را سطحی نینگارید. شام خداوند، یکی از ارزشمندترین هدیه‌هایی است که مسیح به کلیسایش عطا نموده است؛ با هم آن را به‌جا آوریم.